

## قلمرو زبانی

۱ همان طور که می دانیم با روش های زیر، می توان به معنای هر واژه پی برد:

- قرار دادن واژه در جمله

- توجه به روابط معنایی واژگان

■ اکنون بنویسید با کدام یک از این روش ها می توان به معنای واژه «اندیشه» در بیت های زیر پی برد؟

(الف) چو شب تیره گردد شبیخون کنیم ز دل ترس و اندیشه بیرون کنیم فردوسی

پاسخ: به کمک روش «توجه به روابط معنایی واژگان» - معنی اندیشه: نگرانی و اضطراب

(ب) غلام عشق شو کاندیشه این است همه صاحب دلان را پیشه این است نظامی

پاسخ: به کمک روش «قرار دادن واژه در جمله» - معنی اندیشه: فکر درست

(پ) چو بشنید خسرو از آن شاد گشت روانش ز اندیشه آزاد گشت فردوسی

پاسخ: به کمک روش «قرار دادن واژه در جمله» - معنی اندیشه: نگرانی و اضطراب

۲ بیت زیر را از شیوه بلاغی به شیوه عادی برگردانید.

سرانجام گفت ایمن از هر دوان نه گردد مرا دل، نه روشن روان

پاسخ: سرانجام گفت: از هر دوان مرا نه دل نه روشن روان ایمن گردد.

۳ به جمله های زیر توجه کنید:

■ او در مراغه رصدخانه ای بزرگ ساخت.

■ از دشمن خود، دوست ساخت.

■ آن نامدار، لشکری عظیم ساخت.

■ استاد موسیقی، آهنگ زیبایی ساخت.

■ او با ناملايمات زندگی ساخت.

فعل «ساخت» در هر یک از جمله های بالا کاربرد خاصی دارد که با دیگری کاملاً متفاوت است؛ پس واژه «ساخت» در هر یک از کاربردهایش، فعل دیگری است.

■ فعل‌های «گذشت» و «گرفت» در کاربردهای مختلف تغییر معنای می‌دهند. برای هر یک از معانی آنها جمله‌ای بنویسید.

پاسخ: گذشت: او از رودخانه گذشت. او از گناهش گذشت. زمان گذشت.

گرفت: دلم گرفت. ماه گرفت. او پولش را گرفت. او حقش را گرفت. لوله گرفت. او را در آغوش گرفت. عاقبت آن ستم‌ها دامنش را گرفت.

## قلمرو ادبی

۱ کنایه را در بیت‌های زیر مشخص کنید و مفهوم هر یک را بنویسید.

الف) چو خواهی که پیدا کنی گفت‌وگوی      باید زدن سنگ را بر سبوی

پاسخ: سنگ را بر سبوی زدن کنایه است از آزمودن و امتحان کردن.

ب) سیاوش سیه را به تندی بتاخت      نشد تنگ‌دل، جنگ آتش بساخت

پاسخ: سیه کنایه است از اسب سیاه. تنگ دل کنایه است از غمگین

۲ دو نمونه «مجاز» در متن درس بیابید و مفهوم آنها را بررسی کنید.

پاسخ: چو از کوه آتش به هامون گذشت      خروشیدن آمد ز شهر و ز دشت      شهر و دشت مجاز هستند از ساکنان شهر و ساکنان دشت

یکی دشت با دیدگان پر ز خون      که تا او کی آید ز آتش برون      یکی دشت مجاز است از جمعیتی که در آن دشت گرد آمده بودند.

۳ برای هریک از زمینه‌های حماسه، بیت متناسب از متن درس بیابید.

■ قهرمانی: سیاوش بیامد به پیش پدر      یکی خود زرین نهاده به سر

■ خرق عادت: چو از کوه آتش به هامون گذشت      خروشیدن آمد ز شهر

■ ملی: پراگنده کافور بر خویشان      چنان چون بود رسم و ساز

## قلمرو فکری

۱ معنی و مفهوم بیت زیر را به نثر روان بنویسید.

چو او را بدیدند برخاست غو      که آمد ز آتش برون شاه نو

پاسخ: وقتی او را دیدند [یکپارچه] فریاد زدند که شاه جوان، از آتش بیرون آمد.

۲ «گذر سیاوش از آتش» را با مضمون بیت زیر مقایسه کنید.

آتش ابراهیم را نبود زیان هر که نمرودی است گو می ترس از آن مولوی

پاسخ: هر دو شعر گویای این سخن هستند که بی گناهان به سلامت از آتش عبور می کنند و گناهکاران در آتش می سوزند.

-۳

مفهوم مشترک	بیت متن درس	نمونه
هر دو بیت به سختی ..... های روزگار اشاره دارند	سیاوش بدو گفت اندوه مدار ..... کزین سان بود گردش روزگار	ضربت گردون دون آزادگان را خسته کرد کو دل آزاده‌ای کز تیغ او مجروح نیست (سنایی)
هر دو بیت به مرگ را بر ..... ننگ برتری داده اند	سیاوش بدو گفت کای شهریار ..... که دوزخ مرا زین سخن گشت	گریز از کَفَش در دهان نهنگ که مردن به از زندگانی به ننگ (سعدی)